

# **Crisis in Social Security Funds and National Security of Islamic Republic of Iran**

**Yahya Parvandi  
Meisam Belbasi**

## **Abstract**

Social security as a part of public services delivered by governments to their citizens is one of the main factors contributing to the sustainable national security in different political regimes. Sustainability of social security depends on sound and well-functioning of the social security funds as the vital financial resources of social security.

Using the descriptive-analytical method and documents review, this study aims at finding appropriate responses to these crucial questions: (1) what threats to national security would arise from the crisis in social security funds in Iran, and (2) what measures should be adopted to confront them?

Our findings show that the crisis in retirement funds leads to some serious threats to the national security such as public disturbances, social gap and bipolarity in the society, erosion of the strong sense of national solidarity among the people, reduction of acceptability and prestige of the government, decline of the retirees' purchase power, a sense of deprivation and poverty in the society, etc. It can be concluded from the findings that some significant reforms in parametrical, systemic, and structural levels would be quite necessary to confront these multiple threats.

**Keywords:** Social Security Funds, National Security, Retirement Funds, Islamic Republic of Iran

# بحران در صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی و امنیت ملی ج.ا.ایران

یحیی پروندی\*  
میثم بلباسی\*\*

## چکیده

تأمین اجتماعی به‌عنوان بخشی از خدمات عمومی که توسط دولت‌ها به شهروندان ارائه می‌شود؛ یکی از شاخص‌های امنیت ملی پایدار در نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود که پایداری آن منوط به کارکرد درست صندوق‌های بیمه اجتماعی به‌مثابه منابع تأمین مالی است. به‌همین‌منظور، مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی مترصد پاسخ به این سؤال است که: بحران صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی چه تهدیداتی را متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد کرد و راهبردهای مقابله با آن چیست؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که بحران در صندوق‌های بازنشستگی، منجر به تهدیدات امنیت ملی در زمینه‌هایی چون شکل‌گیری بی‌نظمی‌های متنوع عمومی، شکاف اجتماعی و دوقطبی شدن جامعه، کاهش سطح همبستگی ملی، کاهش مقبولیت و اعتبار دولت، کاهش قدرت خرید بازنشستگان، احساس محرومیت و فقر، اضمحلال شاخصه‌های کفایت و پایداری در حقوق بازنشستگان و... می‌شود. برای مقابله با این تهدیدات چندگانه، باید اصلاحاتی را در سه سطح پارامتریک، سیستمی و ساختاری در نظام تأمین اجتماعی انجام داد.

**واژه‌های کلیدی:** تأمین اجتماعی، امنیت ملی، صندوق‌های بازنشستگی، جمهوری اسلامی ایران

---

\* دکترای مدیریت دولتی (ختم‌شده) (معمومی)، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
Parvandi@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکترای مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، و پژوهشگر همکار در دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۳۰ تاریخ بازنگری: ۹۹/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۳۰  
فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال نهم، شماره سی‌وششم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۳۵-۱۰۳

## مقدمه

تأمین اجتماعی به عنوان محور اصلی سیاست‌های اجتماعی، مهم‌ترین بازوی اجرایی دولت برای تسکین فقر، رفع نابرابری اجتماعی، بهبود رفاه اجتماعی و در نهایت توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود. با این حال، دامنه اثرگذاری آن محدود به موارد فوق نمی‌شود. در لایه عمیق‌تر، اختلال یا کژکارکردهای آن می‌تواند در وهله اول امنیت جامعه و در گستره وسیع‌تر، انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. در مقاله حاضر، به دنبال واکاوی بیشتر این موضوع هستیم.

چالش‌های پیش‌روی نظام تأمین اجتماعی کشور به‌طور اعم و وضعیت صندوق‌های بازنشستگی آن به‌طور اخص، تهدیداتی برای کارکرد پایدار آن‌ها دارد. به عبارت دیگر، نقطه طغیان نظام تأمین اجتماعی کشور، از وضعیت صندوق‌های بازنشستگی سرچشمه می‌گیرد چراکه نظام تأمین اجتماعی بدون تأمین مالی دوام نخواهد آورد و پایداری آن وابسته به کارکرد درست صندوق‌های بیمه اجتماعی است. صندوق‌های بیمه اجتماعی بر مبنای تعادل بین منابع و مصارف اداره می‌شوند و فشارهای مالی وارد بر نظام‌های تأمین اجتماعی در دنیا موجب نگرانی و در نهایت دگرگونی به اشکال گوناگون شده است. روند روبه‌رشد مصارف حوزه بیمه‌های اجتماعی از یک‌سو و محدودیت در تأمین منابع لازم جهت ارائه تعهدات و خدمات بیمه‌های اجتماعی از سوی دیگر، وضعیتی را ایجاد کرده است که به دغدغه بزرگ دولت‌ها در سال‌های اخیر تبدیل شده است.

صندوق بیمه‌های اجتماعی کشور بر اساس نظام «PAYG» اداره می‌شوند، که

در آن صندوق‌های بازنشستگی به‌عنوان مخازنی در نظر گرفته می‌شوند که مجموع حق بیمه‌های دریافتی از شاغلان وارد آن شده، تجمیع می‌شوند و پرداخت‌های بیمه‌ای (بیکاری، درمانی، مستمری بازنشستگی و ...) از آن خارج می‌شوند. در این نظام، نسبت پشتیبانی صندوق‌ها (نسبت جمعیت بیمه‌پرداز به جمعیت مستمری‌بگیر) یکی از نماگرهای کلیدی ثبات و پایداری آنهاست. این شاخص نشان می‌دهد به‌ازای هر یک نفر مستمری‌بگیر (دریافت‌کننده‌ی حقوق از صندوق) چند نفر بیمه‌شده اصلی (پرداخت‌کننده حق بیمه) وجود دارد. در وضعیت موجود، برای حفظ پایداری صندوق‌ها باید به‌ازای هر مستمری‌بگیر حداقل ۶ نفر بیمه‌شده (یعنی نرخ ۶) وجود داشته باشد. این نرخ در بیشتر صندوق‌های کشور از مرز خطر عبور کرده است. براساس آمار سال ۱۳۹۳ سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه اجتماعی کشور، از میان ۱۸ صندوق بیمه، تنها ۳ صندوق نرخ پشتیبانی مساوی/بالای ۶ دارند که عبارتند از: ۱) سازمان تأمین اجتماعی؛ ۲) صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر؛ و ۳) صندوق حمایت از وکلا. این صندوق‌ها به‌عنوان نهادهای اجتماعی؛ ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر معیشت و زندگی مردم و نسل‌های بعدی دارند.

یکی از موضوعاتی که اخیراً موجب شد تا بیشتر به اهمیت صندوق‌های بیمه‌ای بازنشستگی تأمین اجتماعی در جهان پی برده شود؛ «پاندمی کرونا» در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ میلادی در ایران و جهان بوده است. پاندمی کرونا پیامدهای منفی بسیاری در حوزه‌های سلامت، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای همه‌ی کشورها داشت و زندگی و معیشت انسان‌ها را به‌گروگان گرفت. پاندمی کرونا علاوه بر به‌خطرانداختن سلامت انسان‌ها و ضرورت مراقبت و درمان، به علت تأکید بر قرنطینه برای قطع زنجیره‌ی کرونا، موجب تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها شد و خیلی از انسان‌ها نیازمند حمایت جدی دولت و صندوق‌های بیمه‌ای برای گذراندن این دوران بودند. این شرایط حاد، در ایران مشکلات فراوانی را برای دولت و صندوق‌های بیمه‌ای ایجاد کرد زیرا این صندوق‌ها در شرایط عادی قبل از پاندمی کرونا با چالش‌ها و بحران‌های مختلفی دست‌به‌گریبان بودند و در شرایط

پاندمی نتوانستند حمایت قوی و همه‌جانبه‌ای از مردم به عمل آورند. اما در جهان، تجربه‌های موفق‌تری درباره‌ی مواجهه صندوق‌های بیمه‌ای برای مدیریت بحران کرونا وجود دارد.

کره جنوبی، یکی از کشورهایی بود که بسیار زود با این بیماری روبه‌رو شد و واکنش مناسبی در مقابله با این پاندمی از خود نشان داد. ماهیت نظام درمانی این کشور به دلیل بیمه عمومی سلامت همگانی و پایین بودن هزینه درمان سبب شده است تا در این کشور تشخیص و درمان زودهنگام و انجام تست‌های آزمایشگاهی و سی‌تی‌اسکن در مقیاس وسیع انجام شود. یکی دیگر از تجارب موفق را دولت آلمان داشت زیرا برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی خود به دلیل تعطیلی و محدودیت‌های برخی کسب‌وکارها، اقدامات گسترده‌ای انجام داد. از جمله این تلاش‌ها، اختصاص برنامه بزرگ اعتباری و یارانه‌ای دولت در حدود بیش از ۷۵۰ میلیارد یورو برای افراد شاغل و کارفرمایان کوچک و شرکت‌های بزرگ آسیب‌دیده از این تهدید است. همچنین برای کمک به کارمندان به منظور پرداخت اجاره خانه و حفظ مزایای‌شان، این دولت برنامه‌های ویژه‌ای در نظر گرفته است. این کشور در حال حاضر برای جلوگیری از موج بیکاری، از سیستم «زمان کوتاه» استفاده می‌کند؛ طریقی که در طول بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ موفقیت‌آمیز بود. همچنین نظام سلامت همگانی این کشور افراد شاغل و افراد اخراج‌شده را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. نظام تأمین اجتماعی آلمان نیز به‌رغم کاهش شدید بودجه خود، کمک‌هزینه منظم ماهانه‌ای را برای جلوگیری از گرسنگی یا بی‌خانمان شدن پرداخت می‌کند (محسنی شاد، ۱۳۹۹).

بنابراین، بیمه‌ها می‌توانند ریسک‌های ناشی از توقف کسب‌وکارها را پوشش داده و به‌نوعی زیان این بخش را جبران کنند؛ موضوعی که در دنیا وجود دارد و اجرایی می‌شود. از آنجاکه یکی از ریسک‌هایی که مشاغل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ایجاد وقفه در کسب‌وکار و فعالیت آن‌ها به دلایل مختلف از جمله بروز حوادث طبیعی، آتش‌سوزی یا بروز یک اپیدمی است، بنابراین وجود چنین پوشش بیمه‌ای می‌تواند برای فعالان این بخش‌ها بسیار کمک‌کننده باشد؛ خلئی که

در کشور ما با شیوع ویروس کرونا به شدت احساس می‌شد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹).

در ایران، صندوق‌های بازنشستگی به یکی از مهم‌ترین بحران‌های اقتصادی کشور تبدیل شده‌اند. این وضعیت می‌تواند آینده صندوق‌ها، سپس بیمه‌های اجتماعی و به تبع آن کلیت نظام تأمین اجتماعی را با تهدید مواجه کند و دایره این تهدید می‌تواند گسترده‌تر شده و امنیت ملی و انسجام اجتماعی را نیز در برگیرد. لذا حل این معضل، به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و کارشناسان تبدیل شده است. حال این سؤال مطرح است که بحران در صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی چه تهدیداتی را متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد کرد و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، پژوهش حاضر انجام شده است که از لحاظ هدف، کاربردی - توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است.

## ۱. چارچوب مفهومی - نظری؛ رویکرد امنیت موسع و تأمین اجتماعی

### ۱-۱. مفهوم‌شناسی امنیت ملی

پیش از پرداختن به رویکرد نظری امنیت موسع، پرداختن به مفهوم امنیت، حائز اهمیت است. امنیت از منظر معناشناسی و تعریف لغوی بسیار مبهم و منعطف است (Art, 1993: 820).

واژه‌نامه معتبر لانگمن، تأمین / امنیت<sup>۱</sup> را شرایطی توصیف کرده که در آن خطر وجود دارد اما از شما در برابر خطر محافظت می‌گردد (English Longman Dictionary, 2019)<sup>۲</sup>. امنیت را می‌توان در سطوح مختلف فردی، ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار داد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۷۰). در بعد ملی، امنیت به مثابه یکی از کارویژه‌های حکومت، ناظر بر بقای رژیم سیاسی، نظام اجتماعی و سبک زندگی است (ماندل، ۱۳۷۹: ۵۲).

1. Security

2. <http://www.ldoceonline.com/dictionary/security>

در اولین برداشت از معنای امنیت ملی، حفظ مردم یک کشور و سرزمین در مقابل حمله فیزیکی مدنظر است اما در برداشتی کامل‌تر، امنیت ملی به «حفظ منافع حیاتی، سیاسی، اقتصادی و فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های اساسی و حیاتی یک دولت» اطلاق می‌شود (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ۱۶۶). برخی تعاریف پژوهشگران پیرامون امنیت ملی به شرح زیر است: «هافمن» به محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی ملت از جریان‌های ویران‌کننده؛ «لارنس مارتین» به تضمین رفاه آتی؛ و «جان ای مورز»، به رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش، اشاره می‌کنند (تاجیک، ۱۳۷۶: ۶۳؛ مؤمنی، ۱۳۹۴: ۶۴). در یک جمع‌بندی، اساسی‌ترین اهداف امنیت ملی را می‌توان در گزاره‌های زیر مطرح ساخت: «حفظ استقلال و تمامیت ارضی، تحقق رفاه مردم و ثبات کشور، حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اقتصادی، و فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی» (اخترشهر، ۱۳۸۷؛ روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۳).

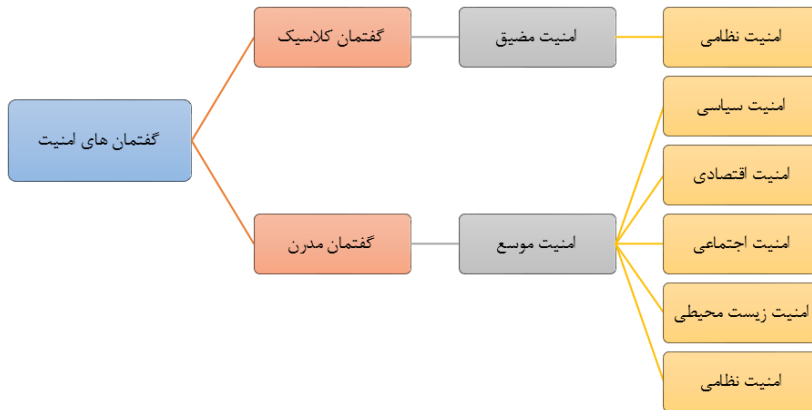
## ۱-۲. رویکرد امنیت موسع و تأمین اجتماعی

در گفتمان سنتی، بزرگ‌ترین تهدید امنیت؛ نیروی نظامی خارجی بود (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۵۹) و در حوزه‌ی مطالعات نظری، معتقدان به این رویکرد کلاسیک، وارد ساختن تهدیدات غیرنظامی به مسئله امنیت را موجب لرزان و سست شدن مسئله امنیت می‌دانستند (Knudsen, 2001: 37)؛ اما در گفتمان مدرن، تهدیدات چندلایه و متنوع تلقی می‌شوند (Buzan & Hansen, 2009: 2). به عبارتی دیگر، تلاش اندیشمندانی نظیر بوزان در مکتب کپنهاگ منجر به خروج مطالعات امنیتی از رویکرد مضیق به رویکرد موسع شده است. لاجرم، تهدیدات امنیتی فراتر از سخت‌افزارگرایی تلقی می‌شوند (Buzan & Wæver, 1997: 241). در واقع، گسترش ابعاد امنیت از بعد امنیت نظامی به سایر حوزه‌ها، از جمله حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و توجه به ابعاد بیناذهنی امنیت، پایه‌های نظری مورد توجه نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ را تشکیل می‌دهند (هشترودی، ۱۳۸۹: ۱۸؛ عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲).

در چارچوب نظریه «امنیت موسع» بوزان و همکارانش به پنج بعد از امنیت

اشاره می‌کنند که علاوه بر بعد نظامی، شامل ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی نیز می‌شود (Buzan et al., 1998: 21-22). در رویکرد موسع، بازسازی گفتمان امنیتی مبتنی بر توجه به مؤلفه‌هایی همچون امکانات نظامی، مشروعیت، توانمندی اقتصادی، مدارا و همزیستی قومی - مذهبی و دسترسی به مواد خام حیاتی» استوار می‌شود (نورمحمدی، ۱۳۹۳؛ مارتین، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۷)؛ بنابراین، امنیت در عصر حاضر به حوزه‌ی «انسان‌ها در کنار دولت‌ها» تبدیل شده است (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۱۷). در راستای طرح مفهوم امنیت موسع، امنیت در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، اجتماعی و فردی مطرح می‌شود که در این میان، امنیت ملی به عنوان مرکز و ثقل امنیت به شمار می‌آید. البته میان سطوح مختلف امنیت رابطه‌ی وابستگی و تأثیر متقابل برقرار است (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۳). بنابراین در یک جمع می‌توان اذعان کرد که در گذشته، امنیت ماهیتی مضیق و تنگ داشته است که صرفاً به ابعاد نظامی و سخت محدود می‌شد اما بعد از تحولات جنگ سرد؛ امنیت، ماهیتی موسع و چندبعدی به خود گرفت که شامل ابعاد مختلف نیازها و هراس‌های مختلف انسان‌ها می‌شود.

شکل ۱. ابعاد امنیتی در گفتمان‌های کلاسیک و مدرن امنیت



با توجه به ماهیت موضوع مقاله، سه بعد امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در میان سایر ابعاد امنیت مورد توجه است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد:



### ۱-۲-۱. امنیت اقتصادی

یکی از ابعاد مهم امنیت، اقتصادی است. امنیت اقتصادی در مقابل سلطه و بحران اقتصادی قرار دارد که می‌تواند در حفظ نظام سیاسی مؤثر باشد (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۱۱) و به‌عنوان یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۱: ۱۳). در اهمیت این موضوع، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه». در واقع، امنیت اقتصادی اشاره به وضعیت باثباتی دارد که افراد، اجتماع، سازمان‌ها و نهادهای دولتی احساس امنیت دارند و این فضا منجر به بهبود روابط تولید، توزیع و مصرف می‌شود (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵). این وضعیت منجر به آسایش عمومی در اقتصاد، رونق و آبادانی، امید و نشاط اجتماعی، افزایش انگیزه مردم برای کار و کارآفرینی و... می‌شود (قناعی، ۱۳۸۹: ۶۳). در همین راستا، دولت موظف است از طریق درآمدهای عمومی و پرداخت حق بیمه بازنشستگی، زندگی افراد کهنسال و ازکارافتاده و محرومان جامعه را تأمین و معضل بزرگ بیکاری را حل کند تا ثبات و امنیت اقتصادی و رفاه اجتماعی در جامعه مستقر شود (تصدیقی، ۱۳۸۹: ۳۸). امنیت اقتصادی ابعاد گوناگونی دارد که در منابع مربوط به آن‌ها اشاره شده است. این ابعاد عبارتند از: ثبات نرخ ارز، تأمین کالاهای اساسی، پایین بودن نرخ تورم، برخورداری از توزیع عادلانه، امنیت اشتغال، نظام بیمه‌ای، سطح دستمزدها، شاخص برخورداری از امکانات و... (نظری و اکبری، ۱۳۹۵؛ تصدیقی، ۱۳۸۹؛ رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ جعفری، ۱۳۹۷؛ نمازی، ۱۳۷۷؛ انصاری، ۱۳۸۱).

### ۱-۲-۲. امنیت اجتماعی یا جامعه‌ای

برخی متفکران و اندیشمندان، امنیت جامعه‌ای را توانایی اجتماع برای حفظ هویت و منافع در برابر شرایط متحول و تهدیدها می‌دانند که تلاش بر ارتقای وضعیت

اجتماعی به سمت ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه است (احمدی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۶). امنیت؛ تولیدی اجتماعی است که به میزان بلوغ، احساس مسئولیت و مشارکت جامعه قابل حصول است و از طریق مردم تأمین می‌شود و پایدار می‌ماند لذا تا آسیب‌پذیری انسانی وجود دارد، تهدید اجتماعی هم وجود دارد و با این وجود، رسیدن به امنیت اجتماعی امری مشکل است (روان، ۱۳۸۹: ۱۱۱). امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تمهیدات در راستای حفظ حیات گروه‌های اجتماعی در مقابل قدرت برتر و انحصاری که نمایندگی آن را دولت به دوش می‌کشد و همچنین ایجاد زمینه‌ای برای برخورداری گروه‌های مختلف اجتماعی از فرصت‌ها، امکانات و تسهیلات به منظور دستیابی به اهداف کارکردی خویش، مطرح شده است. تحقق امنیت اجتماعی باعث گشایش درهای سازگاری و افزایش مراودات بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی گوناگون می‌شود و در مجموع فضای اجتماعی بازتری را ایجاد می‌کند. امنیت اجتماعی در بدو تولد با هدف امنیت‌بخشی برای گروه‌های قومی و مذهبی بزرگ که در سطح فراملی و فروملی نقش‌آفرینی می‌کردند، طرح شد (نوبدینیا، ۱۳۸۵: ۵۳).

بعد اجتماعی امنیت، بیشتر بر حراست از حیات جمعی و بقای زندگی مردم تأکید دارد (صدیق‌اورعی، ۱۳۷۵: ۱۳۲) و مترصد ایجاد آرامش و امنیت برای جامعه توسط دولت است (زین‌آبادی، ۱۳۹۱). از این‌رو، امنیت اجتماعی طیف وسیعی از «نیازهای انسانی» را دربرمی‌گیرد (صالحی‌امیری، ۱۳۹۲: ۱۱) و حیات و بقای اجتماع انسانی نیازمند نظم، امنیت و ثبات اجتماعی است (کریمایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). از منظری دیگر، «امنیت جامعه‌ای» بدین معناست که گروه‌های گوناگون اجتماعی، حیات و هویت خود را در معرض نابودی نبینند و بتوانند هویت و مطالبات خود را به شیوه‌ای آشکار ابراز کنند (نصری، ۱۳۹۲: ۶۱). شاخصه‌های اصلی امنیت اجتماعی و جامعه‌ای عبارتند از: حیات اجتماعی، اعتماد، قانون، هویت، علم، نظم اجتماعی، همبستگی ملی، آزادی‌های مدنی، سطح زندگی مناسب و شایسته، عدالت اجتماعی، ثبات و پایداری اقتصاد، امنیت شغلی، عدالت در توزیع امکانات زندگی، پایین بردن اضطراب و استرس افراد در

جامعه و... (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۹۳؛ افشار، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۱؛ عبوری و رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۶؛ شهبازی، صادقی‌عمروآبادی و عزیزموسوی، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۵؛ غرایاق‌زندى، ۱۳۹۲: ۲۹؛ تصدیقی، ۱۳۸۹: ۴۱). آرامش در مؤلفه‌های فوق‌الذکر که همراه با رضایت شهروندان باشد، زمینه‌ساز احساس خوشایند وجود امنیت در اجتماع می‌شود (شیرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲)

### ۱-۳-۲. امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به مجموعه‌ای از روابط و حقوق متقابل زمامداران و مردم اشاره دارد (شاه‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۷). در نظر باری بوزان؛ امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند، است (داوری‌اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۰). در واقع، بعد سیاسی امنیت، ناظر بر مدیریت ناامنی و تهدیداتی است که اصل و موجودیت دولت را نشانه گرفته‌اند و با مؤلفه‌هایی نظیر ثبات اساس حکومت، امنیت ایدئولوژی یا تئوری حکومت و کارآمدی دستگاه اداری کشور سنجیده می‌شود (رحمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۴). دستاورد چنین رویه‌ای، ثبات سیاسی و توازن در خواسته‌های مردم و کارویژه‌های دولت است (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

در تأیید موضوع ارتباط تأمین اجتماعی و امنیت سیاسی می‌توان گفت که کشورهای توسعه‌یافته؛ هم برای مقابله با تهدیدات امنیتی و ایجاد ثبات و وفاق ملی و هم برای توسعه بیشتر، از نظام تأمین اجتماعی و قوانین معطوف به بهبود شرایط کسب‌وکار، بهره‌گرفته‌اند. از همین منظر، بی‌توجهی کشورهای جهان سوم به نظام تأمین اجتماعی و دیالکتیک بی‌ثبات‌کننده «امنیت» و «توسعه» در این کشورها، از جمله مواردی است که آسیب جدی به مقوله‌ی امنیت سیاسی می‌زند. در واقع، ارائه خدمات رفاهی و برنامه‌های تأمین اجتماعی، نوعی سرمایه‌گذاری است؛ یعنی هزینه‌ای است که دولت برای ایجاد ثبات و تأمین امنیت خود و کشور می‌پردازد. همچنین از طرفی چنین به نظر می‌رسد که نظام تأمین اجتماعی در جوامع صنعتی غرب، به‌عنوان سازوکاری مؤثر در جلوگیری از انفجارهای سیاسی و اجتماعی، کنترل یا مهار بحران‌های اجتماعی و جلوگیری از شکل‌گیری

جنبش‌های اعتراضی کارگری از موفقیت بیش‌تری برخوردار بوده است. در واقع، گسترش نظام تأمین اجتماعی و برنامه‌های رفاهی سازوکاری ثبات‌بخش در ایجاد امنیت سیاسی است؛ به نحوی که بتواند «امید به زندگی»، «حق زیست دموکراتیک و انسانی» و «نیازهای مادی، معنوی و امنیت نیروی کار» را فراهم کند (ایمانی، ۱۳۷۸: ۳۱ و ۷-۵)، در غیر این صورت باید منتظر شکاف میان مردم و حکومت بود.

شکاف مردم - حکومت رابطه‌ای مستقیم و بلاواسطه با امنیت ملی / امنیت سیاسی، به‌ویژه به‌معنای «امنیت حکومت» دارد. عدم توجه مسئولان و سیاست‌گذاران به درخواست‌های مردم، گسترش فقر، فساد و تبعیض، افزایش مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، کم‌توجهی به حقوق و آزادی‌های مشروع در قانون اساسی، فساد اقتصادی و اداری و... عوامل مؤثری برای تقویت شکاف مردم - حکومت هستند و با توجه به اینکه تهدیدهای بیرونی را جز با کاهش شکاف مردم - حکومت در داخل نمی‌توان پاسخ داد، برنامه‌ریزی برای کاهش زمینه‌های این شکاف و مبارزه با عوامل مؤثر بر گسترش این شکاف، از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر شکاف‌های اجتماعی حل و فصل نشوند، ممکن است در درازمدت به بسیج سیاسی و سپس به جنبش‌های اجتماعی منازعه‌گرا به‌عنوان پدیده‌ای امنیتی تبدیل شوند (خلیلی، ۱۳۹۴: ۷۵ و ۶۳-۶۲).

سیاست‌گذاری اجتماعی کارآمد، کم‌هزینه و فراگیر که متضمن بهزیستی معیشتی و رضایت‌مندی روحی همه شهروندان باشد، از استلزامات امنیت ملی پایدار، جامعه‌محور و چندبعدی در رویکرد امنیت موسع است. سیاست‌های اجتماعی از رهگذر تکوین دولت فراگیر، تحقق عدالت اجتماعی و تقلیل نابرابری‌های ساختاری، زمینه‌های واگرایی سیاسی و اجتماعی را می‌کاهد و متقابلاً پیوستگی شهروندان به مای جمعی را تقویت می‌کند و با رویکرد برابرگرای خود بسترهای احساس محرومیت و تبعیض را می‌زداید و اجتماع تصویری را به جامعه عینی و واقعی مبدل می‌کند. نتایج چنین سیاست‌هایی، فروکش کردن احساس محرومیت و ارتقای رضایت‌مندی مردم و مشروعیت

سیاسی، ثبات و استواری سیاسی و تحقق شاخص‌های امنیت جامعه‌ای و سیاسی است (کریمی‌مله، ۱۳۹۳: ۶۸).

### ۳-۱. گفتمان‌های سلبی و ایجابی امنیت

در گفتمان سلبی امنیت، به دلیل مرجعیت تهدیدات، امنیت؛ وضعیتی انفعالی می‌یابد چراکه ایجاد و تقویت امنیت در گروهی شناسایی و سرکوب تهدیداتی است که از سوی، دیگر بازیگران تولید می‌شود. از آنجاکه سلبی‌نگری بر ارکان قدرت طلبی، منفعت‌محوری و عینیت‌باوری قرار دارد، فرآیند پیشرفت را متصلب می‌سازد؛ به گونه‌ای که از پیشرفت چیزی جز بهبود شاخص‌های ظاهری زندگی اراده نمی‌شود (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۵). به تبع این گفتمان، امنیت داخلی نیز به معنای فقدان تهدیدهای داخلی علیه امنیت ملی است. این تعریف سلبی از امنیت به علت نگاه واقع‌بینانه خود بسیار مورد توجه است و امنیت داخلی از حیث منبع، جهت امنیت اجتماعی، آرامش و نوع تهدید به داخل مرزهای کشور مربوط می‌شود و عمدتاً صمیمیت، وحدت و آشتی ملی، هماهنگی نیروهای سیاسی، ثبات و قرار سیاسی و اجتماعی، بقای سیستم سیاسی و حکومت، مناسبات پایدار و حسنه حکومت و ملت و نظایر آن را دربرمی‌گیرد. دیدگاه سلبی، تهدیدمحور است و امنیت داخلی را نبود تهدیدها در عرصه داخلی علیه امنیت ملی کشورها می‌داند (زارع‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰). گفتمان سلبی امنیت، بیشتر از هر موقعیتی، بر وضعیتی تأکید دارد که در آن، منافع بازیگر از سوی، دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای تهدیدشونده وجود داشته باشد. این گفتمان برون‌نگر، سخت‌افزارگرایانه و قدرت‌محور است و جریان‌های فکری متعددی را دربرمی‌گیرد که از آن جمله می‌توان به سنت‌گرایان (با محوریت قدرت نظامی) و فراستی‌ها (با محوریت قدرت چندبعدی) اشاره داشت که همگی در تحلیل امنیت بر بنیاد قدرت اتفاق نظر دارند (افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۸).

در گفتمان ایجابی، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود، بلکه افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های ملی نیز مدنظر است. طرفداران این دیدگاه برای امنیت، ماهیتی تأسیسی قائلند و بر این باورند که

امنیت تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی دست یافته باشد. براین اساس جامعه‌ای که در عین نبود تهدید داخلی یا خارجی، توان لازم را برای دستیابی به منافع ملی خود نداشته باشد، در وضعیت امنیت نیست و ناامن ارزیابی می‌شود. در واقع گفتمان ایجابی، رضایت و اطمینان خاطر شهروندان را محور اصلی امنیت می‌داند؛ نه زور، قدرت و نفی تهدید. از این رو می‌توان گفت که امنیت در گفتمان ایجابی، نسبتی متعادل میان خواسته‌ها و کارویژه‌هاست. امنیت، در هر سطحی اعم از خانواده، دولت، منطقه و نظام بین‌الملل، با این دو مؤلفه شناخته می‌شود: خواسته‌ها و کارویژه‌ها. تا هنگامی که خواسته‌ها و کارویژه‌ها در حالت تعادل هستند، امنیت برقرار است؛ اما اگر میان آن‌ها شکاف به وجود آید، این وضعیت نشانه ناامنی است. امنیت در این گفتمان دارای ویژگی‌های زیر است؛ درون‌نگری (نگاه گفتمان ایجابی به درون است. اگر دیدگاه سلبی امنیت بیشتر روی تهدیدهای بیرونی تأکید داشت، در این گفتمان، تهدیدهای عینی بیرونی باید با نگاه درونی فهم شود؛ به عبارت بهتر از دیدگاه ایجابی، فرصت و تهدید به بیرون ربطی ندارد؛ باید از درون، خود را قوی کرد)، تأکید بر قدرت نرم‌افزاری و رضایتمندی (امنیت در نگاه ایجابی با قدرت و نیروی نظامی و زور ارزیابی نمی‌شود، بلکه مسئله مهم در آن رضایت است؛ اصل امنیت در این گفتمان به معنای رضایتمندی است) (زارع‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۰).

## ۲. بحران در صندوق‌های بیمه‌ای تأمین اجتماعی

بدون شک، بحران صندوق‌های بیمه‌ای، ریشه در مشکلات کلان نظام تأمین اجتماعی کشور دارد و شاید بررسی این بحران بدون توجه به چالش‌های نظام تأمین اجتماعی کشور، ما را از نگاه سیستمی به مسئله دور کرده و در دام تقلیل‌گرایی گرفتار سازد. علی‌ایحال، از آنجاکه بررسی جامع مسئله در ظرف محدود این مقاله نمی‌گنجد و همین‌طور جهت تعمیق، موشکافی و تدقیق آن، صرفاً به تبیین علل معطوف به بحران صندوق‌ها می‌پردازیم.

در یک کلام، بحران اصلی صندوق‌های بیمه‌ای کشور این است که در بیشتر

آن‌ها مصارف از منابع بیشتر است؛ به عبارت دیگر، آن‌ها با کسری مواجه هستند یعنی نسبت ذخایر به کل منابع‌شان اندک است. ذخایر سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری برای پرداخت مستمری‌ها و بدهی‌های آن‌ها هم کافی نیست. سودآوری سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌ها هم نمی‌تواند تأثیر زیادی بر تعادل منابع و مصارف این نهادها داشته باشد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در وضعیت موجود، برای حفظ پایداری صندوق‌ها باید به‌ازای هر مستمری‌بگیر، حداقل ۶ نفر بیمه‌شده وجود داشته باشد. این نسبت در بیشتر صندوق‌های بیمه‌ای کشور در وضعیت قرمز قرار دارد. نسبت پشتیبانی در سازمان تأمین اجتماعی از حدود ۲۰ در سال ۱۳۵۷ به کمتر از ۶ در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همان‌طور که در جدول زیر (گرجی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲۸) مشاهده می‌شود، این نسبت برای بسیاری از صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی کشور کمتر از یک است. به‌عنوان مثال، نسبت پشتیبانی صندوق بازنشستگی کشوری در سال ۱۳۹۳ تنها ۰٫۹ بوده است.

جدول ۱. وضعیت پوشش جمعیتی و نسبت پشتیبانی سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه اجتماعی کشور در پایان

سال ۱۳۹۳

عنوان سازمان/صندوق	تعداد بیمه‌شده اصلی (فعال)	تعداد مستمری‌بگیر اصلی	نسبت پشتیبانی	کل جمعیت تحت پوشش	درصد از کل
سازمان تأمین اجتماعی	۱۳,۳۴۴,۴۹۸	۲,۱۷۹,۵۷۲	۶,۱	۱۵,۵۲۴,۰۷۰	۷۵,۷۲
صندوق بازنشستگی کشوری	۱,۱۳۵,۰۰۰	۱,۲۴۴,۰۰۰	۰,۹۱	۲,۳۷۹,۰۰۰	۱۱,۶
صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر	۶۶۰,۰۰۰	۲۲,۶۹۷	۲۹,۱	۶۸۲,۶۹۷	۳,۳۳
سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح	۵۸۰,۰۰۰	۶۵۰,۰۰۰	۰,۸۹	۱,۲۳۰,۰۰۰	۶
صندوق نفت	۹۶,۷۰۰	۶۸,۶۱۲	۱,۴۱	۱۶۵,۳۱۲	۰,۸۱
صندوق حمایت از کارکنان فولاد	۱۱,۵۵۲	۷۴,۵۶۴	۰,۱۵	۸۶,۱۱۶	۰,۴۲
صندوق کارکنان سازمان بنادر و کشتیرانی	۱,۳۰۴	۲,۰۸۱	۰,۶۲	۳,۳۹۲	۰,۰۲
صندوق بانک‌ها	۱۶۴,۰۰۰	۱۰۳,۰۰۰	۱,۶	۲۶۷,۰۰۰	۱,۳۰
صندوق حمایت از وکلا	۳۰,۰۰۰	۷۸۰	۳۸,۵	۳۰,۷۸۰	۰,۱۵
صندوق آینده‌ساز	۱۰,۹۲۰	۴,۱۷۲	۲,۶۲	۱۵,۰۹۲	۰,۰۷
سایر صندوق‌های اختصاصی (شامل ۸ صندوق دیگر)	۶۳,۰۶۰	۵۶,۵۱۰	۱,۱۲	۱۱۹,۵۷۰	۰,۵۸
جمع کل صندوق‌ها	۱۶,۰۹۷,۰۳۴	۴,۴۰۵,۹۹۵	۳,۶۵	۲۰,۵۰۳,۰۲۹	۱۰۰

اگرچه دولت بخشی از کسری صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی را جبران می‌کند اما پیش‌بینی می‌شود که بودجه عمومی لازم برای پشتیبانی بدهی‌ها و کسری‌های صندوق‌ها (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) در سال‌های آتی به‌طور نمایی افزایش یابد. سهم کمک دولت در تأمین هزینه‌های صندوق بازنشستگی کشوری در سال ۱۳۸۴ در حدود ۴۶ درصد بوده که این میزان در سال ۱۳۹۲ به ۷۶ درصد افزایش یافته است. به‌رغم تخصیص ۱۵,۵۰۰ میلیارد تومان به صندوق بازنشستگی کشوری در بودجه سال ۱۳۹۴، این صندوق همچنان با کسری ۳ هزار میلیارد تومانی در سال مذکور مواجه بوده است. همچنین در صورت تداوم روند فعلی، پیش‌بینی می‌شود که سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۴۱۵ به‌تنهایی مبلغ ۴۸۲ هزار میلیارد تومان کسری داشته باشد. به‌این‌ترتیب، دولت در سنوات آتی مجبور خواهد بود رقمی بیش از بودجه عمومی کل کشور را به تأمین کسری صندوق‌های بازنشستگی اختصاص دهد.

سهم بودجه صندوق بازنشستگی کشوری از کل بودجه فصل رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۷ (پیش از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری) حدود ۱۵,۷ درصد بوده که این نسبت در قانون بودجه ۱۳۹۴، دوبرابر (بیش از ۳۱ درصد) و در سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح از حدود ۲۱ درصد به حدود ۲۷ درصد افزایش یافته است. سهم این دو صندوق از بودجه فصل رفاه و تأمین اجتماعی در دوره یادشده مجموعاً از ۳۶,۶ درصد به بیش از ۵۸ درصد (مبلغی در حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان) رسیده است. در حال حاضر رقم کسری صندوق‌ها و کمک دولت از محل بودجه عمومی حتی از بودجه عمرانی کشور هم بیشتر است.

مواجه شدن صندوق‌ها با بحران، دلایل متعددی دارد. امیدی و خورشیدی در مطالعه‌ای از بحران صندوق‌ها، مهم‌ترین دلایل این بحران را به‌صورت زیر تبیین کرده‌اند که در ادامه به‌طور خلاصه به آن‌ها می‌پردازیم: کاهش ورودی به صندوق در نتیجه بیکاری گسترده، تدوین و تصویب قوانین و مقررات متعدد در زمینه‌ی خارج شدن کارگاه‌ها از شمول قانون کار، پایین بودن سطح دستمزدها و حجم



بالای مشاغل غیررسمی؛ از مهم‌ترین دلایل برهم‌خوردن تعادل جمعیتی در صندوق‌های بیمه‌ای است. علاوه بر این‌ها، سیاست‌های دولت در زمینه‌ی کوچک‌سازی که موجب کاهش نسبت پشتیبانی در صندوق‌های بازنشستگی کشوری به کمتر از یک شده، قوانین مربوط به بازنشستگی و به تبع آن افزایش هزینه‌های مربوط به مستمری صندوق‌ها نیز از دیگر عوامل بوده که نسبت پشتیبانی صندوق‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده است (امیدی و خورشیدی، ۱۳۹۵).

فاصله زیاد میان شاخص امید به زندگی با سن بازنشستگی (به دلیل پایین بودن سن بازنشستگی در ایران) موجب افزایش شدید هزینه‌های تعهدی و جاری صندوق‌های بازنشستگی شده است. در برخی صندوق‌ها (نظیر صندوق بانک‌ها) میانگین سن شروع مستمری‌گیری کمتر از ۴۵ سال است. سازمان‌ها و نهادهای ذی‌نفع در حوزه سیاست‌گذاری توانسته‌اند در دوره‌های گذشته، با اتکا به قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، خود را در زمره این مشاغل قرار دهند. در کنار این امر، تلاش نظارتی بر کارگاه‌ها و صنایع واجد شرایط سخت و زیان‌آور به منظور تعدیل و اصلاح شرایط زیان‌آور کاری نیز به حداقل رسیده یا به‌طور کلی رها شده است. این مسائل، منجر به کاهش سن بازنشستگی شده‌اند.

پایین بودن سطح دستمزدها در ایران، در دوره‌های چندساله، شکاف میان دستمزد و خط فقر را افزایش می‌دهد و دولت را ناگزیر به افزایش حقوق بازنشستگان برای جبران قدرت خرید آن‌ها می‌کند و در نتیجه، به‌طور مداوم بر حجم بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی افزوده می‌شود و چالش‌هایی را نیز برای صندوق‌ها ایجاد می‌کند. حجم بالای مشاغل غیررسمی و عدم پوشش بیمه‌ای میزان بالایی از این مشاغل در کشور که حدود ۶۰ درصد است (اشتغال ۸ میلیون نفر در مشاغل غیررسمی) عملکرد آینده صندوق‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت این‌که، برخلاف بیمه‌های تجاری که در آن‌ها بیمه مرکزی ایران نقش سیاست‌گذار و ناظر را برعهده دارد، فقدان سیاست‌گذار واحد و نبود نهاد ناظر بر بیمه‌های اجتماعی یکی دیگر از عوامل بحرانی شدن صندوق‌هاست. نظارت بر مدیریت صندوق‌ها، سرمایه‌گذاری، دارایی‌ها، ذخایر و کفایت آن‌ها،

تعیین مفروضات محاسبات آکچوئری و وضع قوانین و مقررات حوزه تأمین اجتماعی نیازمند وجود این نهاد ناظر است.

### ۳. تهدیدات امنیت ملی در بحران صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی از وظایف مهم نظام سیاسی به‌شمار می‌رود. در همین راستا، دامنه امنیت پایدار در حوزه‌ی خدمات اجتماعی، بستگی به تصویری دارد که نظام سیاسی از دولت و ساختار و هدف خود ارائه می‌دهد (حسنی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۱). بنابراین، مقوله امنیت در اجتماع معنا می‌یابد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶) و آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی ارتباط مستقیمی با امنیت ملی دارد؛ زیرا می‌تواند منجر به فرسایش مشروعیت، تقسیم‌بندی‌های اجتماعی نامتعارف، شکست‌های اقتصادی، تهدیدات اجتماعی و... شود (ساعی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۵). تأمین اجتماعی را نمی‌توان به‌مثابه امنیت اجتماعی در نظر گرفت (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۵)، اما می‌توان از آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت اجتماعی نام برد که عملکرد آن ارتباط مستقیمی با امنیت سیاسی فردمحور و دولت‌محور، امنیت اقتصادی، امنیت روانی و... دارد. از منظر فلسفه اجتماعی، ارتباط سازمان تأمین اجتماعی با ابعاد امنیت ملی به این شرح است که امنیت جامعه‌ای دارای چشم‌انداز و افق‌های وسیعی است، تاجایی که تمامی مسائل، چالش‌ها، دغدغه‌ها و مقوله‌های زندگی جمعی (حیات فردی و اجتماعی) را دربر می‌گیرد و به همین دلیل، تأمین اجتماعی و نهادهای مربوط به آن باید در مسیر عمران و آبادانی شهروندان گام بردارند (عماره، ۱۳۸۳). کم‌توجهی به حقوق اجتماعی شهروندان توسط نهادهای حکومتی برای بقای نظام سیاسی ملی خطرناک است (احمدی، ۱۳۸۱: ۸) و به‌مثابه یک تهدید چندوجهی، ابعاد امنیت ملی را مورد خدشه قرار می‌دهد.

باید در نظر داشت که کیفیت خدمات و مراقبت‌های اجتماعی، کیفیت جامعه را نشان می‌دهد و خدمات سازمان‌های تأمین اجتماعی که از کیفیت بالا برخوردار باشند، حفاظت و ارتقای حقوق بشر را تضمین می‌کند؛ زیرا ارائه مؤثر خدمات اجتماعی نشان‌دهنده پیشرفت تمدنی و توسعه کشور است و دستاورد آن، ارتقای اقدامات حمایتی برای مهار تهدیدات اجتماعی، رشد سرمایه انسانی و اجتماعی،

بهبود وضعیت بهداشتی و رفاهی، آموزش فراگیر و کاربردی و... است (Bainvel, 2016: 7). تسهیلات اجتماعی و برنامه‌های رسمی برای افراد و خانواده‌ها در سطح اجتماع یکی از بایسته‌های امنیت‌افزایی از طریق تأمین اجتماعی است. لاجرم، سیستم‌های رسمی تأمین اجتماعی باید نیاز فوری شهروندان در زمینه‌های امور اجتماعی و رفاهی را مدنظر قرار دهند (Social Security Department, 2009: 5). دفتر کار بین‌المللی (۲۰۱۴) ارتباط تأمین اجتماعی و ابعاد امنیتی را این‌گونه تشریح می‌کند که سیاست‌های حمایت اجتماعی، نقش مهمی در تحقق حقوق بشر برای تأمین امنیت اجتماعی برای همه دارد و می‌تواند منجر به کاهش فقر و نابرابری و حمایت از رشد فراگیر با افزایش سرمایه انسانی و بهره‌وری، حمایت از تقاضای داخلی و تسهیل تحول ساختاری اقتصاد ملی شود (International Labour Office, 2014: xxi).

براساس مطالعات گری کوئینگ، تأمین اجتماعی نقش مهمی در امنیت اقتصادی دارد و می‌تواند با تقویت تولید اقتصادی، ثبات درآمد خانوارها، حمایت از مشاغل در سطح ملی و پرداخت هزینه‌های آن، پرداخت کمک‌هزینه‌های ماهانه و غیره... امنیت اقتصادی را ارتقا بخشد (Koenig, 2013: 1). نظام‌های سیاسی در زمینه‌ی تأمین اجتماعی باید با احترام کامل به اصول کرامت انسانی، عدم تبعیض و جلوگیری از تأثیر نامطلوب تغییرات متوالی در مزایای اجتماعی شهروندان، امنیت شهروندان در حوزه اجتماعی و اقتصادی را تأمین کنند. به اعتقاد آنتونی گیدنز، برنامه‌های تأمین اجتماعی با عنوان مکانیسم‌های سهیم شدن همگانی در مخاطرات، با مضامین همبستگی و بالا بردن سطح سخت‌کوشی همخوانی دارد و جلوگیری از نداری و کاهش رهایی از بیماری‌ها که هدف ویژه خدمات اجتماعی است، به مصلحت همه شهروندان است و یکی از لوازم چنین رویه‌ای در تحقق امنیت اجتماعی، وحدت ملی و آمادگی برای فدا کردن منافع شخصی به پای مصلحت همگانی و اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۲۱).

دیوید بیتهام و کوین بویل در کتاب «دموکراسی چیست؟» ارتباط بی‌توجهی به تأمین اجتماعی و اثر نامطلوب سیاسی آن را این‌گونه تشریح می‌کنند که

نظام‌های دموکراتیک باید نیازهای اجتماعی مردم نظیر بهداشت، آموزش، سلامت اقتصاد و... را برطرف کند و از منظر تأمین اجتماعی، چگونگی توزیع هزینه‌های رفاهی را مدنظر قرار دهند زیرا این جنبه‌های کیفی توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بر امنیت سیاسی دولت محور تأثیرگذار باشد؛ به این معنا که، درجه پاسخگویی به مردم و ماهیت رژیم سیاسی مستقیماً تحت تأثیر خدمات تأمین اجتماعی (حوزه‌های بهداشتی و درمانی، آموزشی، توزیع منابع مالی و...) قرار دارند. رژیم‌هایی که در زمینه‌ی تأمین اجتماعی و رفاه عمومی ضعیف عمل می‌کنند با چالش فروپاشی (نامنی سیاسی) مواجه خواهند شد (بیت‌هام و بویل، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۳). به همین دلیل است که دولت‌ها در راستای استقرار دموکراسی اجتماعی و تحقق امنیت پایدار سیاسی، مترصد اقدامات گسترده‌ی هزینه‌های عمومی، تأمین خدمات اجتماعی، توزیع عادلانه درآمدها، سیاست‌های رفاهی و... هستند (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۸۱-۱۸۰). در عین حال، به موازات ارتقای خدمات اجتماعی، از دامنه جرم و جنایت و سایر تهدیدات اجتماعی کاسته می‌شود (محسنی، ۱۳۸۸: ۱).

با این اوصاف، مدیریت سرمایه‌های اجتماعی موجود در جامعه و برنامه‌ریزی در راستای هدف‌مندی آن‌ها یکی از راهبردهای ارتقای امنیت ملی است (ترقی و رستمی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). به اعتقاد دالمر هاسکینز، تأمین اجتماعی بر روند انسجام اجتماعی و ملی هم تأثیر مثبتی دارد (هاسکینز، ۱۳۷۸: ۲۱۶). بعد از توضیحات فوق‌الذکر باید اذعان داشت که تأمین اجتماعی در یک نظام سیاسی می‌تواند ابعاد امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تقویت کند و بی‌توجهی به آن یا ضعف (بحران) در عملکرد سازمان‌های مرتبط با تأمین اجتماعی، جامعه را با تهدیدات مختلفی روبه‌رو سازد که پاسخگویی به آن‌ها، هزینه‌های سنگین اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی به دولت‌ها تحمیل خواهد کرد. صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی یکی از بسترهای تحقق رفاه عمومی و امنیت عمومی در جامعه ایران است، اما وقوع بحران در این صندوق‌ها، تبعات مختلف امنیتی برای ایران خواهد داشت و دامنه این تهدیدات را می‌توان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشاهده کرد. در ادامه به بررسی تبعات امنیتی بحران در صندوق‌های

بازنشستگی خواهیم پرداخت:

### ۱-۳. بی‌نظمی عمومی

با وقوع بحران در صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی به صورت فراگیر، فضا برای فقر و جنایات، انحرافات، تنش‌ها، بی‌نظمی عمومی و خشونت فراهم می‌شود. بحران در صندوق‌های بازنشستگی بر روند معیشت، ظرفیت‌های شغلی، فقر و... تأثیر می‌گذارد که تبعات آن برای جامعه، پرخاشگری و بی‌نظمی‌های فراوان در سطح اجتماع است (علیزاده، ۱۳۷۸: ۹۷). عدم توجه به سیاست‌های کلان و اقدام براساس منافع شخصی در راستای برون‌رفت از تهدیدهای موجود بعد از بحران صندوق‌های بازنشستگی، می‌تواند نظم عمومی یا اجتماعی را مختل کند تا جایی که دستگاه‌های نظارتی، قضایی و انتظامی باید با صرف هزینه‌های زیاد به مهار آن همت گمارند.

### ۲-۳. شکاف اجتماعی و دوقطبی شدن جامعه

منازعات ناشی از فقدان تأمین اجتماعی مناسب می‌تواند منجر به گسترش شکاف‌های اجتماعی شود و تبعات امنیتی فراوانی برای جامعه خواهد داشت. این شکاف‌ها ناشی از احساس محرومیت نسبی و نابرابری اجتماعی، بی‌عدالتی در توزیع درآمدها و نارضایتی اقتصادی است (خلیلی، ۱۳۹۴: ۸۸-۴۹). تراکم شکاف‌های ناشی از بحران صندوق‌های بازنشستگی، می‌تواند به نوعی دوگانگی و دوقطبی شدن عرصه اجتماع و تقابل جدی با قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی منتهی شود (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱). بنابراین، استمرار بحران صندوق بازنشستگی می‌تواند تقابل بخشی از جامعه با دولت را به وجود بیاورد و منجر به «منازعه و خشونت‌طلبی» از طرف برخی بازنشستگان در راستای استیفای حق شود.

### ۳-۳. کاهش مقبولیت و اعتبار دولت

ناتوانی در حل بحران صندوق‌های بازنشستگی و نحوه‌ی عملکرد سازمان تأمین اجتماعی باعث فرسایش اعتماد عمومی و مقبولیت مردمی دولت می‌شود؛ زیرا مردم از دولتمردان و کارگزاران حکومتی انتظار برطرف کردن معضلات

پیش روی خدمات اجتماعی را دارند و عدم توانمندی نهادهای حکومتی در برطرف کردن دغدغه‌های عمومی مردم که حق طبیعی آنهاست، موجب کاهش سطح مقبولیت و اعتبار آنها می‌شود.

### ۳-۴. کاهش سطح همبستگی ملی

بر اساس قانون اساسی که منشور تبیین حقوق و تعهدات زیست پایدار و جمعی ایرانیان است؛ حقوق و تعهدات فرادستان و فرودستان از یک سو و حقوق تعهدات نهادهای حاکم در برابر یکدیگر از سوی دیگر، به همراه پاسخگویی مسئولان به مردم و اولویت دادن به تأمین واقعی مطالبات آنها، مهم‌ترین عامل در تحقق همبستگی ملی خواهد بود (مطلبی، ۱۳۸۶: ۵۷). این موضوع در حالی است که تلاش بازنشستگان و بخشی از جامعه برای برون‌رفت از معضلات صندوق‌های سازمان تأمین اجتماعی که با آینده آنها در ارتباط است، منجر به کاهش همبستگی ملی می‌شود و در صورت بروز احساس تبعیض اجتماعی توسط مردم، این معضل می‌تواند خود را به صورت ازهم‌گسیختگی اجتماعی و شکاف طبقاتی نشان دهد.

### ۳-۵. احساس محرومیت و فقر

مؤلفه‌ها و عوامل متعددی در ایجاد احساس فقر و محرومیت در جامعه دخیل هستند. در این میان، بحران در نهادهای تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی در سازمان‌های مختلف جامعه ضمن این‌که می‌تواند فشار تورم را در جامعه تشدید کند و حقوق مستمری‌بگیران را کاهش دهد، احساس فقر را در طیف وسیعی از مستمری‌بگیران تزریق می‌کند. به یک معنا، فقیران احساس فقر بیشتری را تجربه می‌کنند و رکود اقتصادی منجر به افزایش محرومیت و گروه‌های زیرخط فقر می‌شود که دستاورد آن، احساس محرومیت در زمینه‌های مختلف است. به تعبیری دیگر، عدم تعادل در فرایند توزیع منابع مالی و مصرف بین طبقات مختلف جامعه منجر به افزایش احساس محرومیت و فقر در جامعه خواهد شد. این موضوع منجر به تهدیداتی نظیر افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، آشوب اجتماعی، تضادهای قومی و... می‌شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۸۴).

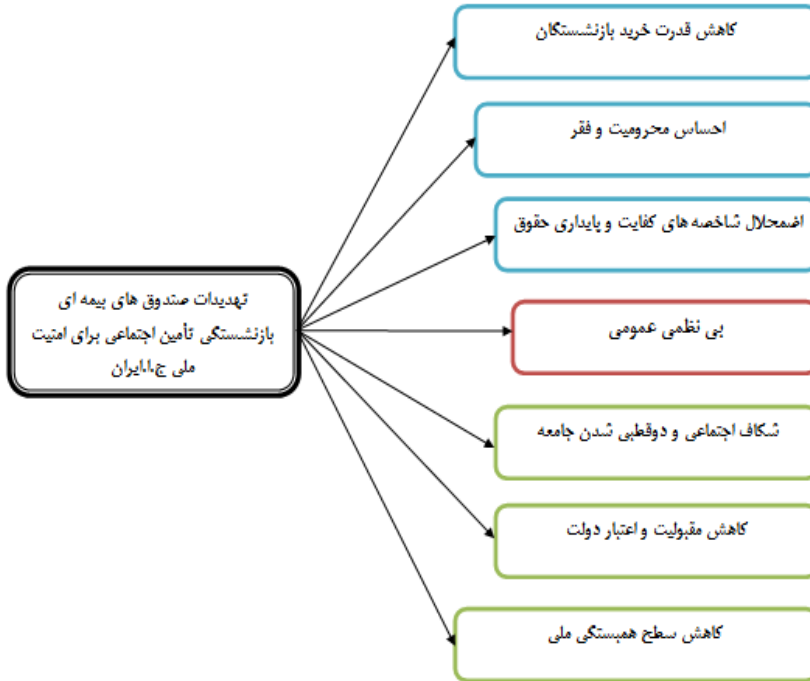
### ۳-۶. کاهش قدرت خرید بازنشستگان

یکی از تهدیدات بحران صندوق‌های بازنشستگی، فقر و استیصال برخی خانواده‌ها و ناکافی بودن حقوق سالمندان و بازنشستگان دولتی است و این موضوع، مشارکت‌های غیرمتعارف آن‌ها را به همراه خواهد داشت. بحران نظام تأمین اجتماعی و بازنشستگی به دلیل تنگناهای مالی و ضعف‌های ساختاری، فاقد خدمات حمایتی لازم در جامعه خواهد بود و ناکارآمدی آن موجب تضعیف قدرت خرید خانواده‌ها و خروج نوجوانان و جوانان از محیط آموزشی برای اشتغال و کمک به مخارج خانواده‌ها خواهد شد (علیزاده، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

### ۳-۷. اضمحلال شاخصه‌های کفایت و پایداری حقوق

یکی از مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، تأثیرگذاری بر شاخص کفایت و پایداری حقوق افراد است؛ شاخص کفایت اشاره به وضعیتی دارد که بازنشستگان به اندازه نیازهای زندگی خود از حقوق مناسب برخوردار باشند و شاخص پایداری به منزله مدت زمان پایدار بودن حقوق‌هاست. ورشکستگی، ناکارآمدی، ضعف ساختار صندوق‌های بازنشستگی باعث می‌شود تا بر روند افزایش حقوق‌ها با توجه به رشد نرخ تورم و گرانی تأثیر منفی داشته باشد و همین مقوله منجر به عدم کفایت و پایداری حقوق آن‌ها می‌شود و دستاورد این موضوع، نارضایتی، انومی اجتماعی و افزایش سطح توقعات بحق مردم خواهد بود و این در حالی است که بحران صندوق‌ها منجر به کاهش خدمات اجتماعی می‌شود (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲؛ جعفری، ۱۳۹۷: ۷-۸).

شکل ۲. تهدیدات چندوجهی صندوق بازنشستگان تأمین اجتماعی برای امنیت ملی ج.ا.ایران



۴. راهبردهایی برای حل بحران صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی

در نظرات و آثار اکثر صاحب‌نظران، منتقدان و دست‌اندرکاران تأمین اجتماعی، سه رویکرد اساسی را درخصوص اصلاحات صندوق‌های بیمه‌ای می‌توان مشاهده کرد: اصلاح نظام توازن درآمد با هزینه «PAYG» از طریق اصلاحات پارامتریک؛ تغییر روش اجرای نظام مبتنی بر ذخیره‌سازی کامل «FF» با اصلاح سیستمی و تغییر تدریجی ساختاری به سمت طرح‌های تأمین اجتماعی چندلایه که در آن ترکیبی از اجزای «PAYG» و «FF» وجود دارد. معمولاً کشورهای مختلف با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، یکی از راهکارهای فوق را انتخاب می‌کنند. با توجه به ماهیت چندبعدی چالش‌های صندوق‌های بیمه‌ای اجتماعی و نظام تأمین اجتماعی در ایران، اصلاحات پیشنهادی در این حوزه مبتنی



بر رویکرد اصلاحات ترکیبی هم‌زمان ارائه می‌شود.

الف) راهبرد اصلاحات پارامتریک (به‌منظور توازن درآمد با هزینه): این اصلاحات در درون سیستم بیمه‌ای و از طریق اعمال تغییرات بر پارامترهای بیمه‌ای (نظیر حق بیمه‌های پرداختی، نحوه محاسبه مزایای پرداختی و سن بازنشستگی) انجام می‌گیرد. در این زمینه، تأکید فلداشتین<sup>۱</sup> بر هم‌سویی میان خط‌مشی‌های تأمین اجتماعی و خط‌مشی‌های بازار کار در انجام هرگونه تغییرات پارامتریک نظام تأمین اجتماعی است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در راستای راهبردهای فوق، اقدامات زیر انجام گیرد:

۱. افزایش حداقل سنوات خدمت؛

۲. افزایش تدریجی سن بازنشستگی؛

۳. افزایش تعداد سال‌های مبنا جهت محاسبه حقوق بازنشستگی؛

۴. کاهش ضریب سنوات برای گروه‌های پردرآمد؛

۵. گذاشتن سقف درآمدی در محاسبه مستمری.

ب) راهبرد اصلاحات سیستمی: اصلاحات سیستمی، اصلاحات عمیق‌تر و گسترده‌تری نسبت به اصلاحات پارامتریک است. توصیه می‌شود، با توجه به مزایا و برتری نظام مبتنی بر ذخیره‌سازی کامل «FF» نسبت به نظام «PAYG» که در پایداری مالی بیشتر صندوق‌ها و عدالت بیشتر در پرداخت مستمری است، حرکت تدریجی به سوی بهره‌گیری (جزئی یا کامل) از نظام ذخیره‌سازی کامل ذیل اصلاحات ساختاری انجام شود.

ج) راهبرد اصلاحات ساختاری: این راهبرد اشاره به استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه جهت ارتقای سطح پوشش افراد با مزایا و حق بیمه‌های گوناگون (مزایایی برای گروه‌های آسیب‌پذیر که توسط مالیات تأمین مالی می‌شود؛ گسترش بیمه‌های اجتماعی قانونی؛ ارائه طرح‌های مشارکتی برای کارگران شاغل در بخش غیررسمی) است. در ایران، این راهبرد اصلاحاتی در سال ۱۳۸۳ تحت عنوان «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» تهیه و به تصویب

مجلس شورای اسلامی رسید، اما هرگز مجال آن را نیافت که به طور کامل اجرا شود. جهت اجرایی شدن این قانون، در ماده بیست و هفتم قانون برنامه پنجم توسعه سند چشم انداز، مجوز استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چندلایه با لحاظ حداقل سه لایه زیر به دولت داده شده است:

- لایه اول: مساعدت‌های اجتماعی شامل خدمات حمایتی و توانمندسازی؛
- لایه دوم: بیمه‌های اجتماعی پایه شامل مستمری‌های پایه و بیمه‌های درمانی پایه؛
- لایه سوم: بیمه‌های مکمل بازنشستگی و درمان.

لازم به یادآوری است که بیمه‌های پایه، بیمه‌هایی هستند که یک سطح پایه‌ای از حفاظت را تضمین می‌کنند. بیمه‌های تکمیلی نیز بیمه‌هایی هستند که برای افزایش و تکمیل مزایای نقدی اعطاشده همراه با طرح‌های پایه یا گسترش سطح پوشش طرح‌های پایه پرداخت می‌شوند (International Labour Organization, 2012: 156)

### نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی برای شناسایی تهدیدات چندگانه بحران صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است و برخی از یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که بحران در این صندوق‌ها موجب تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و به تبع آن موجب به خطر انداختن امنیت موسع جمهوری اسلامی ایران می‌شود. مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در صورت تشدید و فراگیر شدن بحران در صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی عبارتند از: شکل‌گیری بی‌نظمی‌های متنوع عمومی، شکاف اجتماعی و دوقطبی شدن جامعه، کاهش سطح همبستگی ملی، کاهش مقبولیت و اعتبار دولت، کاهش قدرت خرید بازنشستگان، احساس محرومیت و فقر، اضمحلال شاخصه‌های کفایت و پایداری در حقوق بازنشستگان. این موضوعات باعث شده است تا امنیت ملی ایران با تهدیداتی مواجه باشد و هزینه‌های زیادی برای برون‌رفت از این تهدیدات چندلایه لازم است. برای برون‌رفت از تبعات امنیتی این بحران، باید راهبردهایی را ارائه داد

که به صورت ترکیبی در سه سطح پارامتریک، سیستمی و ساختاری ارائه شده است. اما طبق آنچه در بخش‌های پیشین مورد اشاره قرار گرفت، بحران صندوق‌های بیمه‌ای ریشه در مشکلات کلان نظام تأمین اجتماعی کشور دارد و تمرکز صرف بر صندوق‌ها بدون در نظر گرفتن مسائل درگیر کلیت نظام تأمین اجتماعی، ما را در دام تقلیل‌گرایی می‌اندازد. از این رو، نیاز است تا علاوه بر تدبیر راهبردهایی برای حل مسائل صندوق‌ها، متوجه راهبردهایی برای اصلاح کلیت نظام تأمین اجتماعی نیز بود. بر این اساس، باید علاوه بر ارائه راهبردهای سه‌گانه برای حل بحران صندوق‌های بازنشستگی، راهبردهایی نیز در سه حوزه‌ی ۱. نظری (تغییر نگاه دولت به تأمین اجتماعی، ترویج گفت‌وگوهای مناسب و شکل‌گیری اجماع ملی)، ۲. راهبردی (تعریف اهداف اجتماعی، تدوین برنامه جامع استراتژیک تأمین اجتماعی کشور، یکپارچگی درونی و بیرونی برنامه‌های تأمین اجتماعی) و ۳. اجرایی (مدیریت مالی، ساختار نهادی، چارچوب قانونی، استقرار نظام‌های اطلاعاتی و بهینه‌سازی فرآیندها) پیگیری شود.

### پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

در حال حاضر، کشور با مشکلات و چالش‌های اقتصادی مهمی دست و پنجه نرم می‌کند که در لایه اول، معیشت بخش وسیعی از جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، تا جایی که منجر به صدور نسخه‌هایی از سیاست‌های کلی اقتصادی (از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) از سوی بالاترین مقام سیاسی کشور شده است. این مشکلات و چالش‌ها در لایه دوم، منجر به بروز آسیب‌ها و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی شده که همواره جزو دغدغه‌های اصلی بسیاری از سیاسیون، دولتمردان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. نظام تأمین اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین اهرم اجرایی و بازوی دولت برای مواجهه با این آسیب‌های لایه دوم، خود درگیر مشکلات و چالش‌های بی‌شماری است. عدم تعامل و پیوند میان سیاست‌گذاری برای مواجهه با مسائل این دولایه، مستمرا بر این چالش‌ها می‌افزاید. از این رو، پژوهش در این حوزه به‌طور خاص و در حوزه سیاست اجتماعی به‌طور عام، هر روز بیشتر می‌شود. در جریان پژوهش حاضر،

خلاهای پژوهشی موجود در این حوزه، بر پژوهشگران آشکار شد. بنابراین، پیشنهادهای پژوهشگران برای پژوهش‌های آتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

❖ پژوهش در زمینه‌ی بررسی متغیرهای اقتصادی مؤثر بر نظام تأمین اجتماعی.

❖ پژوهش در زمینه‌ی شناسایی مختصات چارچوب اقتصاد سیاسی کشور.

❖ پژوهش در زمینه‌ی تدوین سیاست‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌های

تأمین اجتماعی.

❖ پژوهش در زمینه‌ی گفتمان مناسب تأمین اجتماعی.

❖ پژوهش در زمینه‌ی جلب و ساماندهی مشارکت مردمی در نظام

تأمین اجتماعی.

❖ پژوهش در زمینه‌ی تدوین برنامه جامع و استراتژیک نظام تأمین اجتماعی.

## **References**

- Abdullah Khani, Ali (2003), Security Theories, Tehran: Abrar Moaser.
- Afshar, Asadollah (2015), Security, Community, Social Security, Tehran: Safir Ardehal.
- Ahmadi Moghaddam, Esmail (2010), "Social Security and Identity", Social Security Studies, Vol. 7, No. 23.
- Ahmadi, Ali (2002), Comprehensive Security Approach; Right-Based Security, Tehran: Politics.
- Ahmadi, Seyed Mohammad (2007), "Social Development and National Security", Journal of Social Development, Winter, No. 14, Tehran: Strategic Research Institute.
- Akhtarshahr, Ali (2008), "Political Participation and Its Role in Ensuring National Security", Knowledge, Vol. 17, No. 131.
- Alizadeh, Mohammad (1999), "Employment, Labor Market and Social Security", Social Security, Vol. 1, No. 2.
- Ammareh, Mohammad (2004), Social Security in Islam, translated by Majid Ahmadi, Shiraz: Eilaf.
- Ansari, Ahmad Reza (2002), "Economic Security and the Impact of the Insurance Industry on Its Promotion", Strategic Defense Studies, Vol. 4, No. 15.
- Bashirieh, Hossein (2007), Teaching Political Science, Tehran: Contemporary View.
- Baylis, John and Steve Smith (2004), The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations, translated by Abolghasem Rah Chamani, Tehran: Abrar Moaser.
- Beetham, David and Kevin Boyle (2005), What is Democracy ?, translated by Shahram Naghsh Tabrizi, Tehran: Ghoghnoos.

- Boroumand, Shahzad et al. (2008), *Economic Security in Iran and Some Selected Countries*, Tehran: Islamic Consultative Parliament Research Center.
- Bouzan, Barri (1999), *People, States and Fear*, Tehran: Strategic Studies.
- Davari Ardakani, Reza and Seyed Reza Shakeri (2009), "Political Security in Imam Khomeini's Thought", *Political Knowledge*, Vol. 5, No. 10.
- Ebrahimi, Shahrooz (2000), "Evolution of the concept of security: from national security to global security", *Defense Politics*, Vol. 8, No. 31.
- Eftekhari, Asghar (2013), "Security Software and the Iranian-Islamic Model of Progress", *Soft Power Studies*, Vol. 3, No. 8.
- Eftekhari, Asghar (2014), "Analysis of the Pattern of Interaction and Freedom and Security", *Strategic Research of Politics*, Vol. 3, No. 8.
- Ghanaei, Jamshid (2010), "Economic Security", *Hidden Economy*, Spring, No. 12.
- Gharayagh Zandi, Davood (2013), "The Relationship between Social Justice and National Security: A Theoretical Framework", *Strategic Studies*, Vol. 16, No. 3.
- Giddens, Anthony (2003), *Beyond Left and Right*, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Scientific.
- Gorjipour, Esmaeil (2016), *Policy Documents of the Multi-Layer Social Security System*, Tehran: Higher Institute of Social Security Research.
- Hamidi, Somayyeh (2011), *Formation of Social Gaps and Its Impact on Political Instability in Contemporary Iran*, PhD Thesis in Political Science, Tehran: Allameh Tabatabaei University.
- Hashtroudi, Yashar (2010), "Copenhagen School and the Security Riddle", *Resalat Newspaper*, 6 February, No. 7197.
- Haskins, Dalmer (1999), "A New Design for Social Security", *Social Security*, Vol. 1, No. 2.
- Hassanifar, Abdolrahman (2004), "State and Social Security in the Constitution of the Islamic Republic of Iran", *Research Journal of Imam Sadegh University*, Vol. 10, No. 23.
- Imani, Mostafa (1999), "Social Security and National Security", *Social Security*, Vol. 1, No. 2.
- J. Martin, Lee (2010), *The New Face of Security in the Middle East*, translated by Ghadir Nasri, Tehran: Research Institute Strategic Studies.

- Jafari, Hoda (2017), A Review of the Adequacy of Pensions in the State Pension Fund, Tehran: Saba Pension Strategies Institute.
- Jafari, Hoda (2018), Key indicators of the labor market and its impact on pension funds in Iran, Tehran: Saba Institute of Retirement Strategies.
- Jahan Bozorgi, Ahmad (2009), "The Role of Economic Security in Preserving the Islamic Revolution", Islamic Revolution Studies, Vol. 5, No. 16.
- Jahanian, Nasser (2002), Economic Security, Tehran: Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought.
- Karimaei, Ali et al. (2010), "The role of Police in providing social security", Police Knowledge, Vol. 12, No. 2.
- Karimi Maleh, Ali (2014), "Social and political security through social policy-making", Strategic Studies, Vol. 17, No. 3.
- Khalili, Reza (2015), "The Impact of Social Gaps on Iran's National Security; In Search of an Analytical Framework", Strategic Studies, Vol. 18, No. 4.
- Mandel, Robert (2000), The Changing Face of National Security, Tehran: Research Institute Strategic Studies.
- Mohseni Shad, Zohreh (2016), "Insurance support for businesses during the epidemic", Donya-e-Eqtasad newspaper, dated: 26/06/2016, No. 4986.
- Mohseni, Reza (2009), "Sociological analysis of social security and its role in reducing crime and social harms", Order and Security Research Journal, Vol. 2, No. 4.
- Momeni, Eskandar (2015), "Conceptual Boundaries of Public Security and Socialized Security", Order and Security Research Journal, Vol. 8, No. 31.
- Motallebi, Massoud (2007), "Principles of National Solidarity in the Constitution", Zamaneh, Azar, No. 63.
- Namazi, Hossein (1998), "Insurance and creating economic security for the family", Insurance Research Journal, Vol. 13, No. 51.
- Nasri, Ghadir (2011), A Theoretical Introduction to Society Security, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Nasri, Ghadir (2013), "Society Security as the Vital Core of Sustainable National Security", Security Studies, Vol. 12, No. 43.
- Navidnia, Manijeh (2003), "Introduction to Social Security", Strategic Studies, Vol. 6, No. 19.

- Navidnia, Manijeh (2006), "Theoretical Contemplation on Social Security; With an emphasis on the types of security", *Strategic Studies*, Vol. 9, No. 31.
- Nazari, Mohammad and Peyman Akbari (2016), "Assessing the Economic Security of the Country", *Future Research and Policy-Making Studies*, Vol. 2, No. 1.
- Noor Mohammadi, Morteza (2014), "Evaluation and Critique of Security Theories in the Third World", *Transformation in the Humanities*, Vol. 2, No. 2.
- Obouri, Mehdi and Mohammad Rahmani (2014), *Social Security*, Mazandaran: Shalfin.
- Omidi, Reza and Mona Khorshidi (2016), *Social Insurance, the Necessity of Inclusive Development*, Tehran: Higher Institute of Social Security Research.
- Parhizkar, Gholamreza (2011), "An Introduction to the Concepts Related to the Islamic Theory of Security", *Political Knowledge*, Vol. 3, No. 6.
- Rahbar, Abbas Ali and Farzad Souri (2016), "State and the model of desirable political security in the religious community", *The State Studies*, Vol. 2, No. 5.
- Rahmatollahi, Hossein et al. (2015), "Political Security of Individuals and Its Reference in Imami Jurisprudence", *Islamic Law*, Vol. 12, No. 44.
- Rashidi, Mostafa, Ali Radadi and Saeed Reza Moghadamfar (2015), "Designing a model for measuring the economic security of the country", *Mobilization Strategic Studies*, Vol. 18, No. 68.
- Rasouli Saniabadi, Elham (2014), *An Introduction to the Most Important Concepts and Terms of International Relations*, Tehran: Tisa.
- Ravan, Mehdi (2010), "Hardware and software mechanisms in the Achieve of social security", *Security Horizons*, Vol. 3, No. 7.
- Roshandel, Jalil (1995), *National Security and the International System*, Tehran: Samt.
- Saei, Ahmad (2005), "National Security in the Third World", *Law and Politics Research*, Vol. 7, No. 14.
- Salehi Amiri, Seyed Reza (2013), *Social Security*, Tehran: Strategic Research Center.
- Seddigh Oraei, Gholamreza (1996), "The Impact of Structural Factors on the



- Phenomenon of Security or Social Insecurity", Conference on Development and Public Security, Tehran: Ministry of Interior and University Jihad.
- Shah Mohammadi, Mohammad (2014), "Political Security in Islam", Police Protection and Security Studies, Vol. 9, No. 31.
- Shahbazi, Najafali, Behrouz Sadeghi Amrouabadi and Seyed Alireza Azizmousavi (2011), "Study of economic factors affecting social security", Security Horizons, Vol. 4, No. 12.
- Shirzadeh, Mahin Dokht et al. (2013), Capital and Social Security, Ardabil: Mohaghegh Ardabili.
- Tajik, Mohammad Reza (1997), "An Introduction to the Concepts and Approaches of National Security", Development and Public Security, Volume II, Tehran: Ministry of Interior.
- Taraghi, Ali and Hassan Rostami (2009), "The desirable role of social capital in ensuring public security", Strategic Defense Studies, Vol. 11, No. 38.
- Tasdighi, Mohammad Ali (2010), "Components of political, social and cultural security in the perspective of 1404 of the Islamic Republic of Iran", Cultural Engineering, Vol. 4, No. 43 and 44.
- World Economy (2020), "The key to breaking the chain of corona outbreak", World Economy Newspaper, dated: 16/07/1399, No. 5004.
- Zare'zadeh, Rasoul (2013), "Pattern of Internal Security Analysis", Security Horizons, Vol. 5, No. 19.
- Zeinabadi, Morteza (2012), "Public and Social Security", Journal of Social Security, No. 105, Tehran: Strategic Research Center.